

درباره کتاب

حدیث و روان‌شناسی

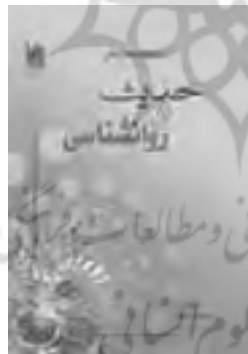
بهروز یدالله‌پور

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل

درباره مؤلف

دکتر محمد عثمان نجاتی در سال ۱۹۱۴ در کویت دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد را با موضوع پایان‌نامه «ادراک حسی از دیدگاه ابن‌سینا» به اتمام رسانید. او از اساتید صاحب‌نام در زمینه روان‌شناسی در کشورهای عربی به‌ویژه کویت و عربستان به‌شمار می‌رود و کتاب قرآن و روان‌شناسی ایشان برنده جایزه ویژه تحقیقات «میراث» از مؤسسه «التقدم العلمی» در سال ۱۹۸۳ گردید. نجاتی بر این باور است که دو کتاب قرآن و روان‌شناسی و حدیث پیامبر و روان‌شناسی بیان‌کننده دیدگاه و تصور اسلامی از انسان را در اختیار می‌نهند و با این دو منبع بی‌کران می‌توان به ارائه مکتب روان‌شناسی جدید برآمده از اسلام پرداخت؛ دیدگاهی که بر شالوده آن مطالعات جدیدی در روان‌شناسی صورت پذیرد و در نهایت، از مجموعه این مطالعات و تحقیقات مکتب نوینی در روان‌شناسی پدید آید که بتوان آن را مکتب اسلامی در روان‌شناسی نامید.

نگارنده در سال ۱۹۸۲ نخستین چاپ کتاب القرآن و علم النفس را که در آن مفاهیم روان‌شناختی آمده در قرآن کریم بررسی می‌شود را منتشر کرد و از همان زمان نیز به بررسی مفاهیم روان‌شناختی در حدیث پیامبر (ص) پرداخت. حاصل این تلاش کتاب الحدیث النبوی و علم النفس است. این کتاب در



محمد عثمان نجاتی،
حدیث و روان‌شناسی، ترجمه
حمیدرضا شیخی، مشهد:
بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.



واقع تکمله کتاب قبلی، یعنی قرآن و روان‌شناسی است؛ چرا که این دو روی هم‌رفته دیدگاه اسلامی از انسان را در اختیار ما می‌گذارند (نجاتی، ص ۹، ۱۳۸۷).

آثار چاپ شده دکتر محمد عثمان نجاتی عبارتند از :

۱. القرآن و علم النفس، بیروت، دارالشروق، ۱۹۸۷؛
۲. علم النفس فی حیاتنا الیومیه، کویت، دار القلم، ۱۹۸۵؛
۳. علم النفس الصناعی، کویت، موسسه الصباح، ۱۹۸۰؛
۴. ادراک الحسی عند ابن سینا، بیروت، دارالشروق، ۱۹۸۰؛
۵. مفهوم الصحة النفسية فی القرآن الکریم و الحدیث الشریف، کویت، نشره الطب الاسلامی، ۱۹۸۴؛
۶. الحدیث النبوی و علم النفس، ۱۹۸۸؛
۷. الدراسات النفسانية عند العلماء المسلمين.

ایشان علاوه بر این آثار، با ارائه سخنرانی‌ها و سمینارهای علمی و ارائه مقالات، خدمات شایسته‌ای را به دانش اسلامی تقدیم کرده‌اند.

دانش روان‌شناسی کاستی‌ها و کفایت‌ها

روان‌شناسی از دانش‌های بشری است که عمری کوتاه را در عرصه مباحث علمی آکادمیک برخوردار است که خاستگاه آن مراکز علمی مغرب‌زمین به‌شمار می‌رود. نخستین بار واژه psychology را رودلف گروکلینوس از اهالی ماربورگ آلمان در قرن شانزدهم میلادی ابداع کرد.

اگر به عنوان روان‌شناسی تجربی experimental psychology این دانش را در نظر بگیریم تأسیس آن به آزمایشگاه روان‌شناسی در سال ۱۸۷۹م در لایپزیک آلمان به وسیله ویلهلم وونت باز می‌گردد و در این زمان بود که نخستین مکتب تجربی در عرصه روان‌شناسی به نام روان‌شناسی درون-نگر introspective psychology پا به عرصه وجود نهاد که بعد از آن با اندکی تغییر در قالب مکتب ساخت‌گرایی structuralism در امریکا به دست ادوارد برادفورد تیچنر شکل یافت. بدین ترتیب عمر روان‌شناسی هنوز به یک قرن و نیم نمی‌رسد (سعید بهشتی، روان‌شناسی از دیدگاه دانش‌مندان مسلمان، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

با اندک توجهی در پدیده روان‌شناسی در غرب، دو نکته کلیدی در هدایت پژوهش‌های روان‌شناسان به چشم می‌خورد: نخست آن که مطالعات و پژوهش‌های روانی در این جوامع به جنبه‌های مادی و زیستی و اجتماعی انسان مادی توجه دارد و از جنبه‌های روحی و معنوی و تأثیر آن غفلت نموده‌اند. به همین سبب پژوهش‌های روان‌شناسانه بیشتر متوجه فرهنگ و هنجارها و ارزش‌ها و فلسفه زندگی حاکم بر این جوامع می‌باشد و در داورهای و ارائه درمان به همان اندازه انسان مادی و محدود در غرایز قلمرو حیوانی را در بر می‌گیرد که با

برداشت و دیدگاه اسلامی از انسان‌سازگاری ندارد و ما نیازمند ارائه مفاهیم نوین و سامان‌دهی روان‌شناسی برآمده از اندیشه اسلامی با مؤلفه‌های صحیح و دقیق می‌باشیم. دوم آن که روان‌شناسی معاصر به پیروی از پیش‌فرض معرفت‌شناختی کانتی، معتقد است که عقل بشر، تنها قادر به درک و شناسایی نمودها (phenomena) و فیزیک اشیای خارجی است و نه بودها و متافیزیک آنها؛ یعنی تنها به بررسی و مطالعه علمی «رفتار» به عنوان موضوعی قابل مشاهده و اندازه‌گیری پرداخته شده است. بدین سان روان‌شناسی غربی با روان‌شناسی فلسفی اختلافی بنیادین در «موضوع» دارد؛ زیرا موضوع روان‌شناسی دینی و فلسفی «روان و احوال و عوارض» آن است در حالی که موضوع روان‌شناسی غربی و تجربی بر مبنای «جلوه‌ها و نمودهای عینی روان» می‌باشد و به‌نوعی روان‌شناسی غربی «رفتارشناسی» به‌شمار می‌آید تا «روان‌شناسی». و یکی از بزرگترین مشکلات روان‌شناسی نوین غربی، با همه کامیابی‌ها و پیشرفت‌های نظری و کاربردی آن، کنار نهادن و به حاشیه راندن موضوع اصلی این علم، یعنی «روان» است. روان‌شناسی امروز با حذف این موضوع از قلمرو مطالعات و تحقیقات خود، گرفتار گونه‌ای ناتمام‌نگری، جزءبینی و نمودگرایی گردیده است (همان، ص ۲۵).

اما از متون دینی می‌توان دریافت که از دیر باز به این مسئله مهم پرداخته شده است و بسیاری از اندیشه‌وران دین‌باور بر آن تأکید کرده‌اند و می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌ها و متون قرآن کریم و روایات متقن پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) دانش روان‌شناسی اسلامی را برای رشد و شکوفایی انسان‌ها و رسیدن به اعتدال و معنویت و کمال نهایی و آرامش و رابطه‌ای جامع با جهان هستی، انسان‌ها و خداوند سبحان پی افکند و به یقین این دانش می‌تواند پاسخ‌گوی دردهای متعدد روحی و روانی بشر سرگردان امروز و عصرهای آینده باشد.

درباره کتاب حدیث نبوی و روان‌شناسی

این کتاب در یک مقدمه و ۱۰ فصل تألیف شده است که عناوین فصل‌ها به‌ترتیب عبارتند از: انگیزه‌های رفتار، عواطف یا هیجانات، ادراک حسی، تفکر، یادگیری، علم لدنی، مسئله رشد، بهداشت روانی و در پایان روان‌درمانی.

همه این مباحث از دیدگاه حدیث نگارش یافته است. این کتاب به زبان شیرین فارسی توسط آقای حمیدرضا شیخی برگردان شده است و چاپ نخست آن در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۸۷ در ۱۰۰۰ شمارگان در ۳۴۳ صفحه انجام یافته و در دسترس مشتاقان نهاده شد.

برجستگی‌ها و امتیازات

کتاب حدیث نبوی و روان‌شناسی از نکات ارزش‌مندی

برخوردار است که هر انسان آگاهی را به خود جذب می‌نماید و به مطالعه خود وامی‌دارد. فارغ از قلم روان و تسلط نویسنده محترم بر دانش حدیث و روان‌شناسی و دغدغه ارائه مطالب متن و علمی ایشان می‌توان مزایای ذیل را در نیرومندی و توان آن اشارت نمود:

۱. کتاب حاضر که از پی کتاب قرآن و روان‌شناسی و برای ارائه نگاهی جامع و کامل از دیدگاه اسلام به انسان و روان‌شناسی نگارش یافته است، از منابع معتبر روایی اهل سنت برخوردار است. بهره‌گیری از کتاب‌های حدیثی معتبر عامه این کتاب را مورد توجه بسیاری از مسلمانان نموده است و دقت در ارائه و چینش روایات و تحلیل دقیق و عالمانه آنها نشان از هوش و تلاش سرشاری دارد که برای ارائه توانمندی دین در عرصه درمان دردهای روحی و روانی عصر حاضر، پی‌ریزی دانش روان‌شناسی اسلامی را هدف گرفته است و در این راه از دو منبع اصیل اسلامی بهره جسته است.

۲. کتاب حاضر علاوه بر به‌دست دادن روایات نبوی، از کتاب‌های معتبر و اندیش‌مندان صاحب‌نام عرصه روان‌شناسی غربی نیز بهره‌های فراوان برده است. ارائه مباحث به گونه‌ای تطبیقی و با اصل قرار دادن روایات با توجه داشتن به آرا و نظریات اندیش‌مندان مغرب‌زمین به زیبایی و اتقان این کتاب افزوده است و هر خواننده منصفی را در برابر این نگارش آرام می‌سازد.

۳. زبان نگارش کتاب زبانی است که احساس نمی‌شود مباحث علمی نوین بر روایات تحمیل شده باشند؛ بلکه با ظرافتی خاص و با تقسیم‌بندی مباحث کتاب بر پایه روان‌شناسی جدید، روایات را با دقت و زیبایی ارائه نموده‌اند؛ بدون آن که تحت تأثیر آموزه‌های روان‌شناسانه به تحلیل روایات و یا تنظیم آراء دینی به گونه‌ای نامتوازن و غیر صحیح گرفتار آمده باشد و پایه داورهای خویش را روایات قرار داده‌اند، نه انگاره‌های اندیش‌مندان معاصر روان‌شناسی. به عنوان نمونه، یکی از مباحث چالش‌برانگیز میان روان‌شناسی تجربی و دینی پدیده وحی بر پیامبران و الهام بر انسان‌ها است که محمد عثمان نجاتی به بررسی این موضوع از نگاه روان‌شناسی جدید و متون دینی پرداخته است:

«روان‌شناسی جدید با رویکردی مادی به تفسیر شناخت می‌پردازد، چه شناخت حسی را پایه اصلی شناخت انسانی می‌داند. روان‌شناسان جدید در مسئله یادگیری و کسب شناخت به علم و معرفتی که انسان از رهگذر وحی یا الهام و یا رویای صادق به دست می‌آورد، نمی‌پردازند؛ چرا که اینان خود را ملزم به بررسی آن دسته از پدیده‌های روانی می‌دانند که بتوان آنها را مشاهده یا قیاس کرد و یا در حیطه پژوهش تجربی در آورد، و آن پدیده‌های روانی و روحی را که چنین نباشند از دایره بحث

و تحقیق روان‌شناسی کنار نهاده اند ... زمانی که روان‌شناسی معاصر «تفکر خلاق» را بررسی می‌کند به مسئله «الهام» نیز می‌پردازد. روان‌شناسان نمونه‌هایی از الهام را که بعضاً در اثنای خواب و گاه در حین بیداری برای برخی از دانشمندان و نویسندگان پیش آمده است، نام برده‌اند، اما الهام در این حالت -ها را نتیجه نضج یافتن ایده در ذهن‌های آنها، پس از مدتی استراحت فکری می‌دانند. چرا که در این مدت اذهان‌شان از پاره‌ای ناخالصی‌ها و موانع تفکر رها می‌شود و عناصر موضوع نظم و سامان می‌یابد و ناگهان در ذهن رابطه‌های جدیدی ظهور می‌کند که قبلاً وضوح نداشت و راه حلی که اندیش‌مند مدت‌ها در پی آن بود روشن می‌شود. روان‌شناسان به ظهور ناگهانی ایده جدید یا حل مشکل به نام الهام اطلاق می‌کنند. بنابراین الهام چیزی نیست که از بیرون ذهن وارد ذهن شود، بلکه منبعث از ذهن انسان و حاصل نظم بخشیدن به عناصر موضوع در ذهن است.

میان نظر روان‌شناسی جدید و دیدگاه دینی در تفسیر الهام می‌توان سازش ایجاد کرد. روان‌شناسی جدید در تفسیر خود از الهام در سطح فرایندهای فیزیولوژیک که در مغز رخ می‌دهد و فرایندهای روانی که به همراه دارد متوقف می‌شود، اما اگر به الهام از منظر دینی نگاه کنیم، خواهیم دید که این تفسیر کافی نیست؛ چرا که خداوند سبحان در همه هستی و در همه آفریدگان و در همه حوادثی که در این عالم هستی رخ می‌دهد، دخل و تصرف می‌کند و به هر ریز و درشتی علم دارد و بر هر کاری تواناست ... بنابراین این زمانی که انسان درباره کاری و موضوعی می‌اندیشد خداوند بزرگ ذهن او را در جهت سوق می‌دهد که به اندیشه تازه‌ای یا راه حل جدیدی برای یک مشکل برسد. پس الهام در این حالت در حقیقت نشأت گرفته از خداوند است، هرچند از نظر روان‌شناسان برخاسته از ذهن خود انسان و حاصل فرایندهای ذهنی‌بی است که در حین تفکر و بدون دخالت هرگونه نیروی دیگری به وجود می‌آید» (حدیث و روان‌شناسی، محمد عثمان نجاتی، ص ۲۰۳).

هرچند تلاش نویسنده محترم آن است که از بحث‌های فلسفی صرف پرهیز نماید و به اندازه لازم در نقد اندیشه‌ها محل نزاع را معین نماید و دآوری کند.

۴. تقسیم‌بندی مباحث کتاب بر اساس مباحث روان‌شناسی نوین یکی دیگر از امتیازات این نوشتار است؛ زیرا در این نگارش با برخوردارگی از نحوه چینش مطالب در روان‌شناسی -های معاصر، تلاش شده است تا بحث‌ها از دیدگاه روایات ارائه گردد و در تعریف و ارائه مفاهیم به گونه استوار بر روایات بوده باشد و محل اختلاف دیدگاه اسلامی با روان‌شناسی نوین را رعایت امانت و انصاف بیان نماید.

۵. ترجمه روان و رسا و شیوا و وفادار به متن به زبان





فارسی این اثر به قلم حمیدرضا شیخی بر زیبایی‌های دیگر این کتاب افزوده است. شیخی تلاش کرده است تا با ترجمه‌ای روان بر خوانندی بودن کتاب بیفزاید و بعضاً نکاتی توضیحی را در بیان معنا ارائه دهد.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

هر نگارشی برای نخستین بار که به رشته نوشته درمی‌آید از نارسایی‌های خاصی رنج می‌برد، اما امتیاز نگارش نخست و ابداعی بودن مطالب آن نارسایی‌ها کم اثر می‌سازد. این نگارش با توجه به ارائه طرحی نوین در دانشی برآمده از دین تأکید دارد باید بیشتر از هر اثر دیگر مورد دقت و جستار قرار گیرد تا فراروی دیگر محققان نهاده شود و ادامه مسیر طولانی راه‌گشایی را هموار سازد. همان‌گونه که در قبل اشارت رفت این اثر به همراه مجموعه‌ای از آثار خوانندی و ماندگار دکتر نجاتی مورد اقبال اندیشه‌وران مسلمان در کشورهای مختلف قرار گرفته است و منبع بسیاری از مقالات در حوزه روان‌شناسی اسلامی قرار گرفته است. اما این کاستی‌ها در این اثر به چشم می‌آید:

۱. نویسنده محترم به درستی دو بال قرآن و حدیث را برای ارائه اندیشه اسلامی ناب و اصیل مورد تأکید و توجه قرار داده است، اما در این میان از بخش انبوهی از احادیث چشم پوشیده است. این کتاب از روایات معتبر از کتاب‌های شیعه که با سند درست از پیامبر اکرم (ص) در دسترس قرار دارند، بی‌بهره است و حجم انبوهی از روایات دقیق و صحیح‌السند که به مباحث روان‌شناسی پیوند دارد، تهی مانده است بسیار فرصت مغتنمی است تا اندیشمندان شیعی در عرصه روان‌شناسی روایات پر احتشام این حوزه را در دسترس مشتاقان قرار دهند که در گذشته برخی کتاب‌های اخلاقی و عرفانی به پاره‌ای از آن روایات اشارت داشته‌اند.

۲. این کتاب چون به خامه اندیش‌مندانه یکی از برادران اهل سنت به رشته نگارش در آمده، به علت آن که در علم حدیث آنان تنها روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) را مورد بررسی و قبول قرار می‌دهند از بسیاری از روایات ائمه اطهار (ع) یا اطلاع نداشته است و یا به خاطر نوع نگاهشان از آنان چشم‌پوشی کرده‌اند که به نظر می‌رسد این نکته در ارائه دیدگاهی اسلامی از انسان بسیار ضروری می‌نماید؛ به‌ویژه سخنان و حکمت‌های امیر مؤمنان علی (ع) که راهگشایی بسیاری از معضلات اخلاقی و اجتماعی است.

۳. در پاره‌ای از موارد تحلیل دیگر اندیشمندان می‌توانست به روانی و گستردگی و تاریخچه بحث کمک نماید و پذیرش منطقی ادعا را موجب گردد، لیکن در کتاب کمتر از دیدگاه اندیشمندان دیگر بهره گرفته شد و این نگارش از آراء

اندیشمندان درباره سخنان پیامبر اکرم (ص) بهره‌مند نیست. ۴. ترجمه عنوان کتاب نیز نارسا و گویای مطالب کتاب نیست. محمد عثمان نجاتی کتاب را الحدیث النبوی و علم النفس نام نهاده‌اند؛ یعنی این کتاب روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) را در بردارد، اما نام کتاب در ترجمه حدیث و روان‌شناسی نام گرفته است که اولاً ترجمه دقیقی نیست و به نام برگزیده مؤلف وفادار نمی‌باشد. ثانیاً با محتوای ارائه شده در متن کتاب هماهنگی ندارد، زیرا بسیاری از روایات به‌ویژه در میان شیعیان در این کتاب مورد توجه قرار نگرفته است. اما به خواننده چنین القا می‌شود که کتاب حاوی همه روایات در باب روان‌شناسی می‌باشد. ثالثاً نام کتاب بر اساس عنوان محمد عثمان نجاتی چنین است: حدیث نبوی و روان‌شناسی یا روان‌شناسی در حدیث نبوی.

۵. شایسته بود بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی که این کتاب را برای ترجمه برگزیده است، زحمت نقد و اضافه نمودن برخی روایات و دیدگاه‌های شیعه را در پاورقی و یا پی‌نوشت فصل‌ها متحمل می‌شد تا آنان که این کتاب ارزنده را مورد مطالعه قرار می‌دهند از نظرگاه شیعه نیز آگاهی یافته و دیدگاهی جامع از اسلام را در دسترس داشته باشد.

۶. شاید جای مقدمه‌ای مناسب از نویسنده و سبک و آثارش در آغاز این ترجمه خالی باشد. چه خوب بود مترجم محترم که با ترجمه دقیق و روان خود به زیبایی کتاب افزوده است، در مقدمه بر این ترجمه تاریخچه‌ای از کتاب و نگارش آن و برخی مسائل و دیدگاه‌های نویسنده در اختیار خوانندگان قرار می‌داد تا خواننده در اولین مواجهه خود با کتاب، مقدمه‌نجاتی را پیش رو بگیرد و از ضرورت ترجمه اثر آگاهی داشته باشد.

سخن آخر

بحث روان‌شناسی در عرصه روایات، نهال نوپایی است که تمام اندیش‌مندان و عالمان دینی و اخلاقی را به حرکتی خلاق و روشنگرانه برای ارائه درست و جامع دین فرا می‌خواند و دنیای امروز و فردا و فرداهای دیگر در هر زمان و زمینی مرهون تلاش‌ها و پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان در حوزه شناخت انسان و درک دردها و درمان آن و تبیین رابطه درست میان انسان و خداوند است. و این مهم به انجام نخواهد رسید مگر با همتی بلند و اندیشه‌ای نوین و درک درست نیازها و مسائل پیش رو.

توفیق نویسنده محترم را در ارائه کتاب‌هایی راهگشا در عرصه روان‌شناسی اسلامی و مباحث تربیتی از خداوند متعال آرزو داریم و امید آن داریم که مترجم گرامی نیز با آثاری تازه و لسی ماندگار، بیش از پیش توفیق الهی مدد رسانش گردد و جان مشتاقان این عرصه را به دنیایی جدید پیوند دهد.